

شماره: ۳۳

۲۵ ذیقعده ۱۴۲۶

مجموعه مباحث اخلاقی

استاد معظم

حضرت آیت الله یثربی کاشانی «دامت برکاته»

لقای محبوب

شیرین یا با عتاب

تکثیر این جزوه

با رعایت محتوا، حفظ امانت در نقل و ذکر مأخذ مجاز است

الحمد لله رب العالمين وصلّى الله على سيّدنا محمّد وآله الطاهرين
ولعنة الله على أعدائهم أجمعين .

«إلهي لا تُغلق عليّ مُوحّدك أبواب رحمتك ولا تحجب مشتاقك عن
النظر إلى جميل رؤيتك إلهي نفسُ أعزّزتها بتوحيدك كيف تُذلّها بمهانة
هجرانك وضميرٌ إنعقدَ على مودّتك كيف تُحرّقه بحرارة نيرانك إلهي أجرني
من أليم غضبك وعظيم سخطك» .

امام سجاد عليه السلام در آخرین عبارات مناجات بعد از گفتگوی بسیار
شیرین و دلنشین با ذات اقدس ربوبی و اظهار اشتیاق و مودّت و خوف و ترس
از عدم پذیرش به درگاه خداوند متعال ، به این عبارات می‌رسند که خدایا ! من
یگانگی و وحدانیت تو را باور دارم و به رحمت تو امیدوار هستم ، در رحمت
خود را به روی من مبند و مرا از این رحمت محروم مگردان . رحمت ذات
اقدس ربوبی ، یک رحمت رحمانیه است . این رحمت نسبت به همه مخلوقات
و موجودات فراگیر است .

﴿ مَا تَرَىٰ فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِن تَفَٰوُتٍ ﴾ (۱).

در آفرینش خداوند متعال هیچ عیب و نقصی نمی‌بینی .

به حکم اینکه رحمان است همه از خوان رحمت او متنعم هستند و هیچ موجودی نیست که از رحمت الهی محروم باشد . اصلاً تعبیری که در مورد رحمتِ رحمانیه ذات اقدس ربوبی است این است که مقام ، مقامِ افاضه وجود است . افاضه وجود خود یک رحمت است و اگر این افاضه نبود رحمت هم نمی‌بود .

بنابر این رحمت رحمانیه اقتضای همان وجود است و طبعاً نسبت به همهٔ بندگان و مخلوقات و موجودات علی السواء است . اما آنچه امام سجاد علیه السلام و تمام مؤمنین و موحدین از خداوند می‌خواهند ، رحمت و نعمتی بیش از آن است که خداوند نصیب و روزی همه می‌نماید . یک رحمت ویژه ، که آن رحمتِ رحیمیّه خداوند متعال است . در روایت شریفه وارد شده است .
« رَحِيمٌ بِالْمُؤْمِنِينَ يَخْصُهُمْ بِرَحْمَتِهِ » (۲) .

این رحمت ، رحمتی است که در مقام افاده کمال است .

رحمتی که انسان را از مرتبه حیوانیت به اوج انسانیت می‌رساند و وقتی انسان مؤمن ، کامل و موحد گردید ، آن وقت از خدا می‌خواهد که باب این رحمت به روی او بسته نشود .

۱ - سوره ملک ، آیه ۳ .

۲ - بحار الأنوار ، ج ۴ ص ۱۹۴ .

«ولا تحجب مشتاقك عن النظر إلى جميل رؤيتك».

موحد بطور طبیعی مشتاق لقاء الهی و وصال است .

تقاضای او این است که انقطاع ، جدایی و بُعدی نباشد . اگر باب رحمت الهی باز شد دیگر انقطاع و دوری از رحمت الهی بی معنا است .
خدایا ما مشتاق لقاء هستیم ما را از لقاء و دیدارت محروم نفرما .
نکته قابل توجه در خصوص لقاء الهی این است که مؤمنین به لقاء او نائل خواهند شد اما کیفیت این لقاء وابسته به درجه ایمان و معرفت اشخاص است .

اما در مورد کفار خداوند می فرماید :

﴿ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَّارِ لَفِي سِجِّينٍ ﴾^(۱) ﴿ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَمَّخُوفُونَ ﴾^(۲) .

چنین است ! به یقین نامه اعمال بدکاران در سجین است ... بلکه آنها در روز قیامت از پروردگارشان محبوب هستند .

کفار توفیق لقاء ندارند . یعنی قابلیت لقاء از آنان گرفته شده و جایگاهشان سجین است . اما در مقابل مؤمن و موحد قابلیت لقاء دارد ، ولی کیفیت آن متفاوت است . گاهی محبّ ، محبّی است که در رفتار و منش ، همه علقه های محبوب را رعایت کرده ، در این حالت لقاء محبّ و محبوب لقاء

۱ - سوره مصطفین : آیه ۷ .

۲ - سوره مصطفین : آیه ۱۵ .

زیبایی است و حاصل آن شیرین و لذت بخش است. اما گاهی محبتی است که رعایت همهٔ علقه‌های محبوب را نکرده است او محروم از لقاء نمی‌شود، ولی وقتی لقاء حاصل شد، لقاء همراه با عتاب و خطاب است و شیرین نخواهد بود. لذا اینجا موحد از خدا می‌خواهد که خدایا من چون موحد هستم از لقاء تو محروم نخواهم بود، اما این لقاء و دیدار، دیدار شیرین و ثمر بخش باشد و دیدار همراه با محاکمه و عتاب و ترشروی نباشد.

امام علیه السلام در اینجا به ما می‌آموزد که از خدا چگونه لقاء او را بخواهیم و نیز چگونه لقایی را بخواهیم.

تجلی ذات اقدس ربوبی برای بندگان متفاوت است. در خصوص این تفاوت در تجلی به این روایت با دقت توجه کنید.

«إِنَّ يَحْيَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَقِيَ عِيسَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَعِيسَىٰ مَتَّبِسَم. فَقَالَ يَحْيَىٰ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَالِي أَرَاكَ لَاهِيًا كَأَنَّكَ آمَنَ! فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَالِي أَرَاكَ عَابِسًا، كَأَنَّكَ آيِسٌ؟ فَقَالَا: لَا نَبْرَحُ حَتَّىٰ يَنْزَلَ عَلَيْنَا الْوَحْيُ، فَأَوْحَىٰ اللَّهُ إِلَيْهِمَا: أَحْبَبُّمَا إِلَيَّ الطَّلِقُ الْبِسَامُ، أَحْسَنُكُمْا ظَنًّا بِي»^(۱).

حضرت یحیی علیه السلام فرزند زکریای پیامبر روزی به حضرت عیسی علیه السلام برخورد کرد و او را خندان دید. حضرت یحیی علیه السلام به او اعتراض نمود و فرمود: آیا از عذاب الهی خود را در امان یافته ایی که اینگونه می‌خندی و خوشحال هستی؟ حضرت عیسی علیه السلام در پاسخ فرمود:

۱- شرح نهج البلاغة ابن أبي الحديد جلد ۶ ص ۳۳۳.

آیا تو از رحمت پروردگار مأیوس هستی که اینگونه ناراحت و افسرده هستی . از جانب خداوند متعال خطاب آمد : من آن کسی را بیشتر دوست دارم که گمانش به من زیباتر و بهتر باشد . کسی نزد من محبوب است که خود خندان و گشاده رو است . در واقع حضرت عیسی علیه السلام چون به خداوند گمان نیکو دارد و به رحمت او امیدوار است مقدم می‌باشد .

یحیی در مقام تصوّر و تخیّل خدا را همیشه در مقام قهر و غضب می‌بیند اما عیسی خدا را در مقام رحمت و رأفت و عطوفت می‌بیند و لذا امام سجاد علیه السلام به ما می‌آموزد که از خدا لقائی را طلب کنیم که شیرین ، دلنشین و لذّت آفرین باشد . یعنی بتوانیم خود را بگونه ایی تربیت کنیم که وقتی به دیدار او می‌رویم بی عیب باشیم تا با عتاب و تلخی که ناشی از اعمال ناصواب خودمان است خدا را ملاقات نکنیم .

در خصوص لقاء و رؤیت به یک نکته کلامی اشاره می‌کنیم تا مکمل نکات اخلاقی بیان شده باشد . روایتی از امیرالمؤمنین علیه السلام منقول است که « جاء حبرٌ إلى أمير المؤمنين صلوات الله عليه فقال : يا أمير المؤمنين هل رأيت ربك حين عبدته ؟ فقال : ويليك ما كنت أعبد رباً لم أره ؛ قال : وكيف رأيتَه ؟ قال : ويليك لا تدرکه العيون في مشاهدة الأبصار ولكن رأته القلوب بحقائق الإيمان »^(۱) .

۱- کافی جلد ۱ ص ۹۷ .

یکی از احبار خدمت امیرالمومنین علیه السلام رسید و عرض کرد خدای را که عبادت می‌کنی آیا تا کنون او را دیده‌ای؟ حضرت فرمودند: هیچ‌گاه خدای را که ندیده‌ام عبادت نکرده‌ام. سؤال کرد چگونه خدا را دیده‌ای؟ حضرت فرمودند: با چشم ظاهری نمی‌توان او را دیده بلکه باید با چشم دل و به حقیقت ایمان خداوند را دید.

پیرامون همین موضوع صدوق علیه السلام در توحید از صفوان بن یحیی

روایتی را نقل می‌کند:

سألني أبو قرة المحدث أن أدخله إلى أبي الحسن الرضا عليه السلام فاستأذنته في ذلك فأذن لي فدخل عليه، فسأله عن الحلال والحرام والأحكام حتى بلغ سؤاله التوحيد، فقال أبو قرة: إنا روينا أن الله عز وجل قَسَمَ الرؤية والكلام بين اثنين، فقَسَمَ لموسى عليه السلام الكلام ولمحمد صلى الله عليه وآله وسلم الرؤية، فقال أبو أبو الحسن عليه السلام: فمن المبلغ عن الله عز وجل إلى الثقلين الجن والإنس: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ﴾^(١)، ﴿وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا﴾^(٢)، ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ﴾^(٣)؛ أليس محمد صلى الله عليه وآله وسلم؟ قال: بلى، قال عليه السلام: فكيف يجيء رجل إلى الخلق جميعاً فيخبرهم أنه جاء من عند الله وأنه يدعوهم إلى الله بأمر الله ويقول: ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ﴾ ﴿وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ

١- الانعام: ١٠٣.

٢- سورة طه، آية ١١٠.

٣- سورة شوری، آية ١١.

عِلْمًا ﴿ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ﴾ ، ثمَّ يقول : أنا رأيتُه بعيني ، واحطت به علماً ، وهو على صورة البشر !! أما يستحيون ؟ ما قدرت الزنادقة أن ترميه بهذا أن يكون يأتي عن الله بشيء ، ثم يأتي بخلافه من وجه آخر . قال أبو قرّة : فأنه يقول : ﴿ وَلَقَدْ رَأَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى ﴾ ^(١) فقال أبو الحسن عليه السلام : إنَّ بعد هذه الآية ما يدلُّ على ما رأى ، حيث قال : ﴿ مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَى ﴾ ^(٢) يقول : ما كذب فواد محمد صلى الله عليه وآله ما رأت عيناه ، ثم أخبر بما رأى فقال : ﴿ لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى ﴾ ^(٣) فأيات الله غير الله ، وقد قال : ﴿ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا ﴾ فإذا رآته الأبصار فقد أحاطت به العلم ، ووقعت المعرفة ^(٤) .

ابو قره از من درخواست نمود تا او را به محضر امام علی ابن موسی الرضا عليه السلام ببرم . از حضرت تقاضای ملاقات برای او نمودم و حضرت نیز پذیرفتند . ابو قره گفت : برای ما اینگونه روایت شده است که خداوند دیدار و سخن گفتن خود را بین دو نفر تقسیم نموده است . با موسی عليه السلام سخن گفته است و دیدار روی خود را نصیب حضرت محمد صلى الله عليه وآله نموده است . حضرت امام رضا عليه السلام فرمودند : چه کسی به جن و انس خبر داده که (چشمها او را نمی بینند ؛ ولی او همه چشمها

١ - سورة نجم آیه ١٣ .

٢ - سورة نجم : آیه ١١ .

٣ - سورة نجم : آیه ١٨ .

٤ - أصول کافی ج ١ ص ٩٥ .

را می بیند) ، (آنان هرگز نسبت به او احاطه و علم ندارند) ، آیا پیامبر ﷺ ناقل این سخنان از جانب خدا نبوده است ؟ ابو قره پاسخ داد ، آری ، حضرت فرمودند : چگونه ممکن است شخصی به مردم این گونه خبر دهد و از طرف دیگر بگوید من خدا را با چشم خود دیدم و او به شکل و صورت انسان است !! کسانی که این گونه سخن می گویند شرم نمی کنند ؟! ابو قره گفت : خداوند در قرآن می فرماید : (بار دیگر او را مشاهده کرد) حضرت ﷺ فرمودند : بعد از این آیه آنچه را پیامبر ﷺ دیدند ، روشن می کند : (قلب در آنچه دید هرگز دروغ نگفت) آیه شریفه می فرماید : قلب پیامبر ﷺ آنچه را که چشمانش دید تکذیب نکرد . سپس آیه شریفه در مورد چیزی که پیامبر ﷺ دیدند خبر می دهد : (او پاره ای از آیات و نشانه های بزرگ پروردگارش را دید) نشانه های خداوند غیر از خود اوست . قرآن می فرماید : (آنان هرگز نسبت به او احاطه و علم ندارد) اگر چشمها او را ببینند نسبت به او احاطه و علم پیدا کرده معرفت می یابند .

روایاتی از این قبیل که از اهل بیت علیهم السلام به دست ما رسیده مبنای نظر متکلمین شیعه در خصوص رؤیت خداوند می باشد . با کمال تأسف در بین عامه مسأله رؤیت بطور وسیع تحریف شده و چون در تحصیل معرفت به منابع غیر وحیانی و اجتهادات شخصی نادرست متصل شده اند به بیراهه رفته و منحرف شده اند .

توحید مایه عزت مؤمن

«إلهي نفس أعزَّتْهَا بِتَوْحِيدِكَ كَيْفَ تَذَلُّهَا بِمَهَانَةِ هِجْرَانِكَ» خدایا
بندگان تو متفاوت هستند. عده‌ایی تو را نشناخته و انکار کرده‌اند، بت پرست
و دیگر پرست شده‌اند و خدا پرست نیستند اما به ما سعادت توحید را عنایت
فرموده‌ای. ایمان به یگانگی خداوند در کلام امام علیه السلام مایه عزت انسان معرفی
شده. بنابر این عزت مومن به ایمان اوست، اگر ایمان به خدا از او گرفته شود
دیگر هیچ چیزی برای انسان باقی نمی‌ماند.

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ﴾ (۱)

(عزت مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است) .

خدایا! نفسی که با شناخت تو عزت پیدا کرده است، آنجایی که وقت
عزتمندی است، یعنی یوم القيامة، «تَذَلُّهَا بِمَهَانَةِ هِجْرَانِكَ» آیا این نفس را
ذلیل و خوار می‌کنی؟ «وَضَمِيرُ انْعِقِدْ عَلَيَّ مَوْدَّتِكَ كَيْفَ تَحْرِقُهُ بِحَرَارَةِ
نِيرَانِكَ» دلی که با مودت تو گره خورده و با یاد و ذکر تو جان گرفته است؛ دلی
که جایگاه محبت تو و اولیاء توست؛ آیا این ظرف معرفت و یاد خود را
می‌سوزانی؟ در آتش سوختن شأن دشمنان توست؛ آنهایی که قلبشان از
محبت تو و اولیاء تو تهی است.

«إلهي أجزني من أليم غضبك وعظيم سخطك يا حنان يا منان»

۱ - سورة المنافقون : آية ۸.

خدایا! ما را از عذاب دردناک و غضب خود، پناه بده .

آثار اسماء الهی

هر کدام از اسماء الهی دارای آثار ویژه‌ایی است . برای آشنایی با این آثار و توجه به معانی آنها بهترین راه استفاده از ادعیه و روایات ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌باشد زیرا مفسران اصلی و خاندان وحی آشناترین افراد به معارف الهی هستند .

حتّان یعنی ، کثیر الاقبال علی العباد ، لحظه‌ای بندگانش را رها نمی‌کند . این شأن حتّانیت خداست . متّان یعنی خدایی که معطی بر بندگان است . خطاب و راز و نیاز با خدا با این الفاظ معنای خاصی دارد . وقتی برای طلب رزق و روزی او را می‌خوانیم ، یا رزّاق می‌گوییم ، اما وقتی یا حتّان می‌گوییم در واقع قرب الهی و رحمت خاص او را طلب می‌کنیم .

جابر یعنی جبران کننده ؛ خداوند کمبودها و کاستی‌ها را جبران می‌کند . خداوند پوشاننده کاستی‌ها و نواقص است این صفت در کنار ستّار آمده است زیرا به لحاظ معنایی مکمل آن است .

خدا ستّار است ؛ در این عالم بر ما پرده پوشی می‌کند . خداوند آنقدر ستّار است که بعضی از گناهان حتّی از دو ملک مأمور ثبت افعال مانیز پوشیده می‌ماند .

از امام علیه‌السلام سؤال کردند گناهانی که بر دو ملک مخفی است کدامند ؟

حضرت فرمودند: گناه دل است. خدا این قدر ستار است که اجازه نمی‌دهد دو ملک عتید و رقیب از آلودگی دل انسان مطلع شوند.

در قیامت هنگام حساب، بندگان به دو قسمت تقسیم می‌شوند

﴿فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ﴾^(۱).

گروهی به بهشت وارد می‌شوند و گروهی به دوزخ می‌روند.

بزرگترین فضاحت آن است که انسان در صف دوزخیان قرار گیرد.

زمان پاسخ‌گویی از بزرگترین تا کوچکترین مسائل مورد بازخواست قرار

می‌گیرد. نفس حال و وضع قیامت هر اس‌انگیز و وحشتناک است و اگر انسان

در گروه دوزخیان باشد هول و هراس او دو چندان خواهد بود. آنقدر محاسبه

دقیق است که شگفت‌زدگی همه را در پی خواهد داشت.

در خصوص باریک و دقیق بودن حساب الهی در آخرت نقل این قضیه

خالی از لطف نمی‌باشد. یکی از دوستان نقل می‌کرد: پدر بزرگی داشتم که

مرحوم شده بود. سابقاً در کاشان لباسهایی می‌دوختند که از نوعی پنبه زرد

رنگ پارچه آن تهیه می‌شد نام این گونه لباسها مَلَّه بود. این گونه لباسها دوام

بیشتری نسبت به دیگر لباسها داشت. به علت کثرت استفاده و دوام زیاد

صاحب لباس از این لباس خسته شده بود لذا روزی لباس مستعمل را به لب

باغچه می‌زند و از روی مزاح می‌گوید: پاره شو خسته شدم. ناقل که از مؤمنین

موثق است گفت: پدر بزرگم را در عالم رویا دیدم به من گفت آنقدر حساب

۱- سوره شوری آیه ۷.

باریک است که حساب آن لباس مستعمل را هم پس دادم.

«نَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَفُضِيحَةِ الْعَارِ».

خدایا با رحمت خود مرا از این حساب دقیق و بی آبرویی نجات بده .
وقتی از این موارد کوچک اینگونه به دقت سوال و باز خواست
می‌گردد؛ چگونه باید جوابگوی نعمتهای بزرگ خداوند باشیم؟!
پیامبر ﷺ می‌فرماید:

« لا تزول قدما عبد يوم القيامة حتى يسأل عن أربع عن عمره فيما
أفناه وعن شبابه فيما أبلاه وعن ماله من أين كسبه وفيما أنفقه وعن
حيثما أهل البيت »^(۱).

یعنی در قیامت بندگان قدم از قدم بر نمی‌دارند مگر اینکه چهار چیز از
آنان بازخواست می‌گردد اول: عمر خود را در چه راهی سپری کرده ،
دوم: جوانی را چگونه طی کرده ، سوم: مال و ثروت خود را از چه
راهی بدست آورده و در چه راهی هزینه کرده و چهارم: از مودت و
دوستی اهل بیت ﷺ سؤال می‌گردد .

جوانی را چه کار کردی باگشت و گذار طی کردی؟ مرحوم علامه
حلی رحمته الله که در بین فقهای شیعه کثیر التالیف تر از ایشان نداریم . تالیفاتی
نظیر: تذکره ، منتهی و کتابهای متعدد قواعد و تبصره که اگر بخواهیم به
صورت کتابهای جدید عرضه کنیم قطعاً از دویست جلد کتاب بیشتر

۱- بحار الأنوار ج ۷ ص ۲۵۸.

می‌شود. ایشان در ایام زیارتی به کربلا مشرف شدند. فاصله حله تا نجف و کربلا زیاد نیست. دیده شد که در موقع نماز فرزند ایشان فخرالمحققین به پدر اقتدا نکرد. سؤال شد آیا علامه از عدالت ساقط شده که فرزندش اقتدا نمی‌کند؟ فخرالمحققین به پدر عرض کرد: شما تدریس و تدریس فقه اهل بیت علیهم‌السلام که واجب عینی شماست را با زیارت که مستحب است مبادله نمودید. (فاعتبروا یا اولی الأبصار). تحصیل و تدریس فقه که فریضه و وظیفه است را ترک نمودید. مرحوم علامه برای اینکه شبهه فرزند را از بین ببرد کتاب مخطوط تبصره را به ایشان نشان داد و گفت: فرزند من در بین راه و سفر مشغول تألیف این کتاب بودم. تبصره علامه که فقهای متعددی بر آن شرح نگاشته‌اند.

خداوند همه ما را از ننگ و بد نامی در میان همه مخلوقات در دنیا و آخرت حفظ نماید و دست همه ما و شما را بگیرد و از لغزشها و خطرات شیطانی محافظت نماید.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»

(۸۴/۱۰/۷)

کفّار توفیق لقاء ندارند. یعنی قابلیت لقاء از آنان گرفته شده و جایگاهشان سچین است. اما در مقابل مؤمن و موحد قابلیت لقاء دارد، ولی کیفیت آن متفاوت است. گاهی محبّ، محبّی است که در رفتار و منش، همه علقه‌های محبوب را رعایت کرده، در این حالت لقاء محبّ و محبوب لقاء زیبایی است و حاصل آن شیرین و لذّت بخش است. اما گاهی محبّی است که رعایت همه علقه‌های محبوب را نکرده است او محروم از لقاء نمی‌شود، ولی وقتی لقاء حاصل شد، لقاء همراه با عتاب و خطاب است و شیرین نخواهد بود.

محل برگزاری جلسات :

چهار راه شهدا - خیابان معلم - کوچه معلم ۱۴ - پلاک ۸

تلفن ۷۷۳۲۳۶۷ و ۷۷۴۹۱۶۰ - نمابر ۷۷۴۳۹۱۹

